

تحلیل و گونه‌شناسی آثار باستانی منطقه گهگیلویه

احمد آزادی^۱

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2020.21491.2124

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۸

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۲۸-۷

چکیده

در این مقاله آگاهی‌هایی کلی در مورد گونه‌شناسی انواع محوطه‌های باستانی منطقه گهگیلویه ارائه شده که در نتیجه فصل‌های دوم و سوم بررسی‌های باستان‌شناختی این منطقه شناسایی شده‌اند. این بررسی‌ها در محدوده‌ای به وسعت حدود ۳۰۰۰ کیلومتر مربع، در بخش‌های چرام، قلعه‌رئسی و مناطقی از دیشموک ولیده انجام گردید و هدف اصلی آن، شناسایی آثار باستانی منطقه بود. در این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی، کوشش شده به پرسش‌هایی مانند: ماهیت محوطه‌ها باستانی منطقه گهگیلویه، ویژگی‌های مختلف این محوطه‌ها و بسترهای شکل‌گیری آن‌ها در چشم‌انداز زمین‌ریخت‌شناسی منطقه پاسخ داده شود. با توجه به کوهستانی بودن منطقه بررسی، یکی از فرضیه‌ها این بود که احتمالاً در جستجوی محوطه‌های دوران پیش‌ازتاریخ با استقرارهای چند دوره‌ای مواجه نباشیم و احتمالاً غارها، پناهگاه‌های صخره‌ای و محوطه‌های باز، مهم‌ترین محوطه‌ها این دوران خواهند بود. با توجه به سبک زندگی نیمه‌یکجانشینی در این منطقه تا چند دهه پیش، یکی دیگر از فرضیه‌های این بود که در کنار شناسایی محوطه‌های دیگر، با شمار قابل توجهی از محوطه‌های با ماهیت نیمه‌کوچ نشینی مواجه باشیم. رویکرد بررسی به صورت گسترده و تا اندازه‌ای فشرده و مبنای سرپرست برای بررسی، نقشه‌های توپوگرافی به مقیاس ۱/۲۵۰۰۰ برای به دست آوردن درکی کلی از وضعیت جغرافیایی منطقه بود. در پایان این بررسی‌ها، در مجموع شمار ۳۷۴ اثر از دوره پارینه‌سنگی میانه تا اواخر دوره چارو و اوایل دوره پهلوی شناسایی و بررسی شد. به‌طور کلی، می‌توان انواع آثار شناسایی شده را به ۱۵ گروه به این ترتیب دسته‌بندی نمود: محوطه‌ها، تپه‌ها، غارها، پناهگاه‌های صخره‌ای، بناهای عام‌المنفعه، بردگوری‌ها، خانه‌های آریایی دارای استحکامات، بناهای مذهبی، دژهای کوهستانی، گورستان‌ها، راه‌های سنگ‌فرش، کانال‌های انتقال آب، سنگ‌آب‌ها، سنگ‌نشته‌ها و سنگرها. مهم‌ترین آثار شناسایی شده از دوره پیش‌ازتاریخ، شامل: محوطه‌های باز، اشکفت‌ها و پناهگاه‌های صخره‌ای است؛ از جمله: محوطه گم‌کنک، اشکفت سیاه، پناهگاه‌های صخره‌ای قافله به ۱ تا ۳ و پناهگاه صخره‌ای و اشکفت گبگی که شواهدی از دوره‌های پارینه‌سنگی میانه، فراپارینه‌سنگی و احتمالاً آغاز نوسنگی را به دست می‌دهند. آثار دوران تاریخی شامل برخی از محوطه‌های با معماری سنگی، بردگوری‌ها و گورستان‌ها است. با توجه به شیوه زندگی نیمه‌یک‌جانشینی امروزی مردمان منطقه گهگیلویه، قابل پیش‌بینی بود که بیشتر محوطه‌های شناسایی شده، از نوع کوچ نشینی باشند. شمار زیادی از این محوطه‌ها مربوط به دوران اسلامی است که به احتمال قوی، با رونق شهر قدیم دهدشت در سده‌های میانه و متأخر اسلامی و نواحی اقماری پیرامون آن ارتباط دارد.

کلیدواژگان: گهگیلویه، بررسی باستان‌شناسی، گونه‌شناسی آثار باستانی.

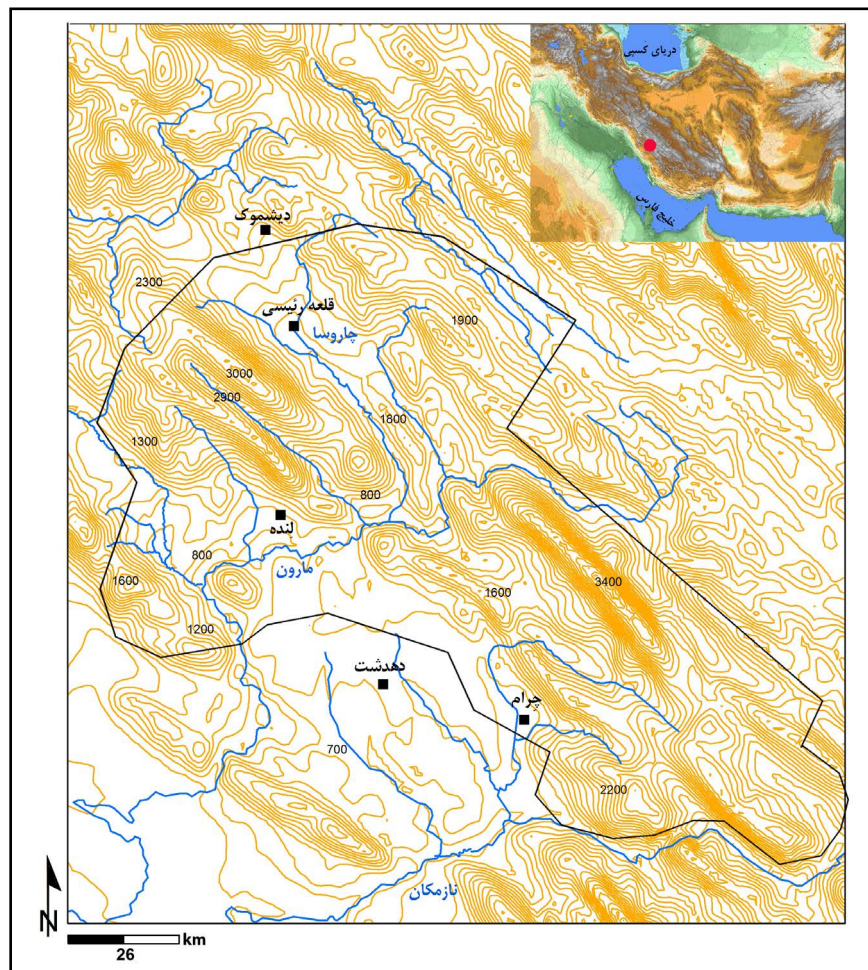
مقدمه

طی دو دهه اخیر، یک‌سری بررسی‌های باستان‌شناختی در سطح استان کهگیلویه و بویراحمد انجام گرفت که منجر به شناسایی شمار زیادی از آثار باستانی دوره‌های مختلف در سطح استان گردید. بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه کهگیلویه، در راستای انجام این بررسی‌ها و در دو بازه زمانی، بین سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ و ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ توسط نگارنده انجام شد. فصل‌های دوم و سوم بررسی‌های باستان‌شناسی منطقه کهگیلویه که در این مقاله به ارائه کلی نتایج آن پرداخته شده، در بخش‌های چرام، قلعه رئیسی و مناطقی از دیشموک و لنده در محدوده‌ای به وسعت حدود ۳۰۰۰ کیلومتر مربع انجام شد (تصویر ۱). افزون بر شناسایی و ثبت آثار باستانی منطقه به عنوان یک هدف کلی، اهداف دیگری در چشم‌انداز پژوهشی بلندمدت ما مدنظر قرار داشت؛ مهم‌ترین این اهداف عبارت بودند از: ۱. آگاهی از الگوهای استقرار دوره‌های مختلف منطقه؛ ۲. مطالعه برهم‌کنش‌های احتمالی فرهنگی دو حوزه مهم فرهنگی خوزستان و فارس در این منطقه؛ ۳. پی‌بردن به میزان تأثیرپذیری احتمالی منطقه کهگیلویه از فرهنگ‌های فارس و خوزستان و یا عدم تأثیرپذیری و داشتن ماهیت مستقل.

پرسش‌ها و فرضیات پژوهش: مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش عبارتند از: شناخت ماهیت محوطه‌ها باستانی منطقه کهگیلویه، ویژگی‌های مختلف این محوطه‌ها و بسترهای شکل‌گیری آن‌ها در چشم‌انداز زمین‌ریخت‌شناسی منطقه بود. یکی از فرضیه‌های پژوهش این بود که به دلیل کمبود پتانسیل‌های شکل‌گیری استقرارهای چنددوره‌ای مانند تپه‌ها، احتمالاً در جستجوی محوطه‌های دوران پیش از تاریخ با چنین استقرارهایی کمتر مواجه باشیم و احتمالاً غارها، پناهگاه‌های صخره‌ای و محوطه‌های باز، مهم‌ترین محوطه‌های این دوران خواهند بود. با درنظر گرفتن سبک زندگی نیمه‌یکجانشینی در این منطقه تا چند دهه پیش، یکی دیگر از فرضیه‌ها این بود که در کنار شناسایی گونه‌های مختلف از محوطه‌ها، با شمار قابل توجهی از محوطه‌هایی با ماهیت نیمه‌کوچ‌نشینی مواجه باشیم.

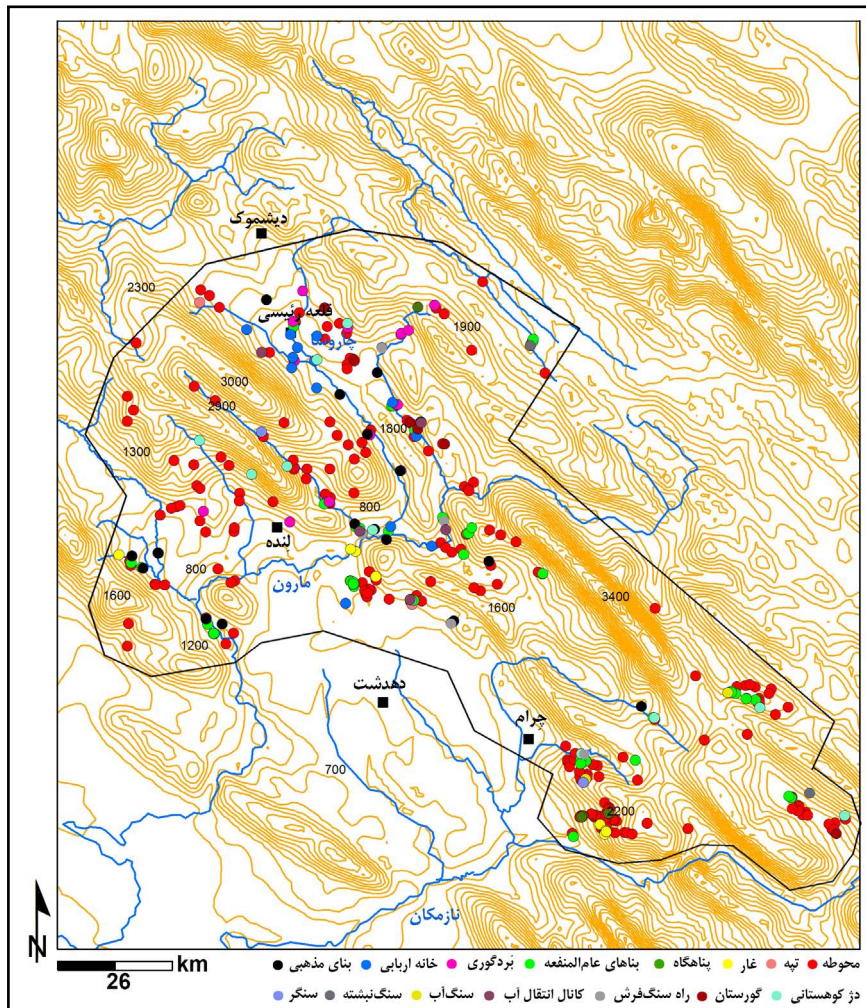
روش پژوهش: روش پژوهش در این نوشتار توصیفی-تحلیلی است؛ به این معنی که با گردآوری اطلاعات میدانی توصیفاتی کلی از گونه‌های مختلف محوطه‌های باستانی را ارائه و سپس آن‌ها را در بستر محیطی تا حد امکان تحلیل کردند.

در این بررسی‌ها، چشم‌انداز منطقه بررسی را به سه واحد کوهستان، دره‌ها و تپه‌ماهورها تقسیم کرده و با توجه به زمان بررسی، شمار افراد و وضعیت توپوگرافی، بخش‌های گوناگون این چشم‌انداز به نسبت‌های مختلف بررسی گردید. موقعیت محوطه‌های باستانی با استفاده از دستگاه مکان‌یاب GPS ثبت می‌گردید و نمونه‌برداری از یافته‌های سطحی به صورت دل‌بخواه با تأکید بر گونه‌های شاخص انجام می‌شد. رویکرد بررسی به صورت گسترده و تاندازه‌ای فشرده و مبنای سرپرست پروژه برای بررسی، نقشه‌های توپوگرافی به مقیاس ۱/۲۵۰۰۰ برای به‌دست آوردن درکی کلی از وضعیت جغرافیایی منطقه بود.



► تصویر ۱. موقعیت منطقه کَهگیلویه و محدوده بررسی (نگارنده ۱۳۹۹).

رویکرد بررسی فشرده، نه در همه مناطق، بلکه در برخی بخش‌ها، که پتانسیل‌های زیست‌محیطی بیشتری برای شکل‌گیری استقرارهای دوره‌های مختلف مناسب قابل مشاهده بود به آزمایش گذاشته می‌شد؛ برای مثال، در فصل دوم بررسی، بخش‌هایی از حاشیه رودخانه مارون، دره سیاه در نزدیکی روستای توگبری در منطقه چرام، حاشیه رودخانه‌های طسوج و سادات در منطقه بیلاقی کَهگیلویه و نیز اطراف چشمه‌ها به صورت فشرده و با دقت بیشتری مورد بررسی قرار گرفت. در بررسی‌های فصل سوم نیز بخش‌هایی دیگر از حاشیه رودخانه مارون، بخش‌هایی از حاشیه رودخانه سور (شور)، اطراف رودخانه چن، اطراف رودخانه آجم و حاشیه رودخانه چاروسا و نیز اطراف چشمه‌ها با دقت بیشتری مورد بررسی قرار گرفت. در این فصل کوهستان بخش بزرگی از منطقه بررسی بود؛ به همین دلیل بررسی دره‌های میان‌کوهی مانند: دلی مهتاب، دلی آجم، دلی مهره^۲ (مهرجان)، تنگه‌ها و دهانه تنگه‌ها مانند تنگ آسیاب، از اولویت‌های مکان‌های بررسی بود. در پایان این بررسی‌ها، در مجموع شمار ۳۷۴ اثر باستانی از دوره پارینه‌سنگی میانه تا اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی شناسایی و بررسی شد (تصویر ۲). برای ارائه اطلاعات این بررسی‌ها، آثار شناسایی شده را براساس نوع محوطه دسته‌بندی کرده



تصویر ۲. نقشه پراکندگی آثار شناسایی شده در فصل‌های دوم و سوم بررسی منطقه کُهگیلویه (نگارنده ۱۳۹۹).

و در ادامه به ویژگی‌ها، الگوهای پراکندگی و بستر محیطی شکل‌گیری آن‌ها پرداخته و در نهایت براساس مواد فرهنگی و شاخصه‌های دیگر، دوره‌های پیشنهادی را برای آن‌ها ارائه گردید.

پیشینه پژوهش‌های منطقه

کهن‌ترین آگاهی‌های موجود درباره منطقه کُهگیلویه مربوط به «بارون دوئید» دیپلمات روس است که در منطقه کُهگیلویه حضور داشته و در کنار فعالیت‌های دیگر خود اطلاعاتی را در ارتباط با آثار باستانی این منطقه در اختیار قرار می‌دهد (دوئید، ۱۳۷۱). یکی دیگر از منابع کهن موجود در ارتباط با جغرافیا و جغرافیای تاریخی منطقه کُهگیلویه و بویراحمد، مربوط به «هاریسُن» یکی از جغرافی‌دانان غربی در ایران بوده که شرحی کوتاه از مشاهدات خود را در عبور از این منطقه به رشته تحریر درآورده است (Harrison, 1936). مشاهدات «اشتاین» در کتاب راه‌های باستانی غرب ایران، در ارتباط با برخی از آثار باستانی منطقه کُهگیلویه، یکی دیگر از منابع موجود در مورد این منطقه است. مهم‌ترین مناطقی که اشتاین در طول

سفر خود از این منطقه به توصیف آن‌ها پرداخته، شهر قدیم^۳ دهدشت و نقوش صخره‌ای تنگ سروک است (Stein, 1940).

یکی از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده در این منطقه، پژوهش‌های «هاینس گابو» استاد شرق‌شناسی دانشگاه توپینگن آلمان است که بیشتر از منظر جغرافیای تاریخی و متون کهن به توصیف آثار باستانی این منطقه پرداخته است (گابو، ۱۳۵۹). «نورمحمد مجیدی» در کتاب تاریخ و جغرافیای تاریخی کُهِگیلویه و بویراحمد اطلاعاتی از پیشینه باستانی این منطقه در اختیار علاقمندان گذاشته است (مجیدی، ۱۳۷۱). افزون بر پژوهش‌های فوق، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، بخش دیگری از پژوهش‌های منطقه کُهِگیلویه، بررسی‌های باستان‌شناختی این منطقه بوده که توسط نگارنده طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ انجام شده است.

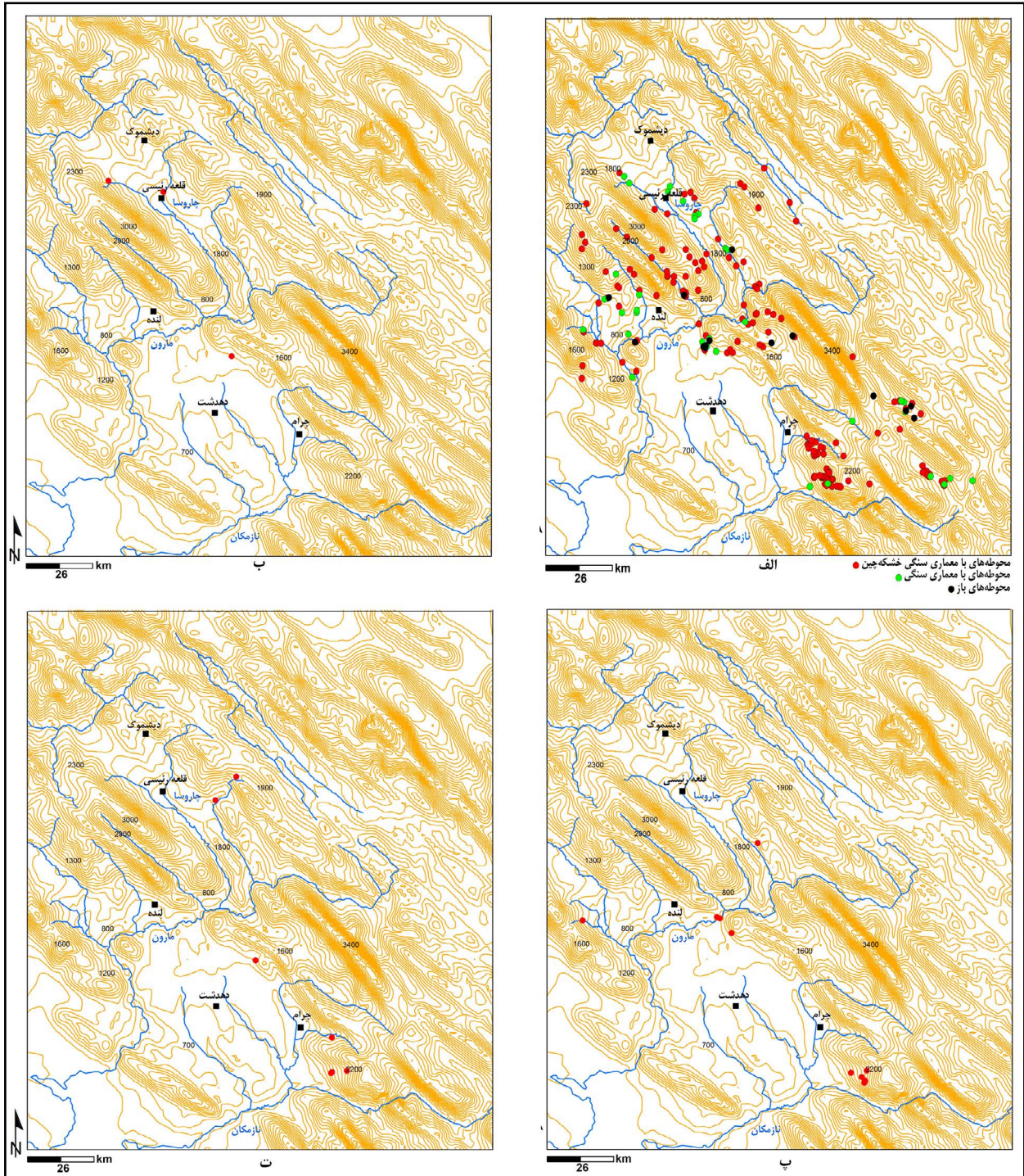
زیست‌بوم منطقه بررسی

منطقه کُهِگیلویه به مرکزیت شهر دهدشت با مساحت حدود ۴۸۵۰ کیلومتر مربع در زاگرس جنوبی و در بخش‌های غربی و شمال‌غربی استان کُهِگیلویه و بویراحمد قرار گرفته است (ر. ک. به: تصویر ۱). اختلاف ارتفاع تقریبی این منطقه بین ۵۰۰ تا ۳۴۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد، باعث برخورداری آن از دو گونه مختلف آب‌وهوایی با پوشش گیاهی تقریباً متفاوت شده است. در مجموع، نیمه شمالی منطقه کُهِگیلویه مرتفع‌تر و دارای اقلیمی سردتر بوده و بخش گرمسیری و کم‌ارتفاع آن، شامل مناطق تپه‌ماهوری شکل و دشت‌های کوچک جنوب‌شرقی و مرکزی است.

دشت‌های منطقه کُهِگیلویه سیمایی متفاوت از دیگر دشت‌های منطقه زاگرس دارد؛ در بخش‌های تقریباً جنوبی این منطقه، چند دشت کوچک میان‌کوهی با سیمایی تپه‌ماهوری وجود دارد که بزرگ‌ترین آن‌ها دشت‌های دهدشت و چرام است. افزون بر این، چند دشت کوچک دیگر از جمله دشت کلاچو، مهم‌ترین پتانسیل‌های شکل‌گیری استقرارهای چند دوره‌ای در منطقه را تشکیل می‌دهند. میانگین ارتفاع دشت‌های این منطقه بین ۵۰۰ تا ۹۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد است. از مهم‌ترین ارتفاعات این منطقه می‌توان به کوه نور با ارتفاع حدود ۳۴۰۰ متر در بخش‌های شرق و شمال‌شرق، کوه‌های سفید و سیاه با ارتفاع حدود ۳۰۰۰ متر در بخش‌های شمال و شمال‌غرب و ارتفاعات خائیز در بخش‌های غرب و جنوب‌غرب منطقه با ارتفاع حدود ۱۲۰۰ متر اشاره نمود. کوهستانی بودن بیشتر بخش‌های منطقه کُهِگیلویه، به‌ویژه مناطق شمالی آن، باعث شده که از منابع آب به نسبت فراوانی برخوردار باشد. عمده‌ترین منابع آبی منطقه به شکل رودخانه‌های دائمی و فصلی، چشمه‌ها، و جویبارهای زیادی در سطح منطقه بوده و از مهم‌ترین این منابع آبی می‌توان به رودخانه‌های مارون، لیراب، رودریش و رودسَمه اشاره کرد.

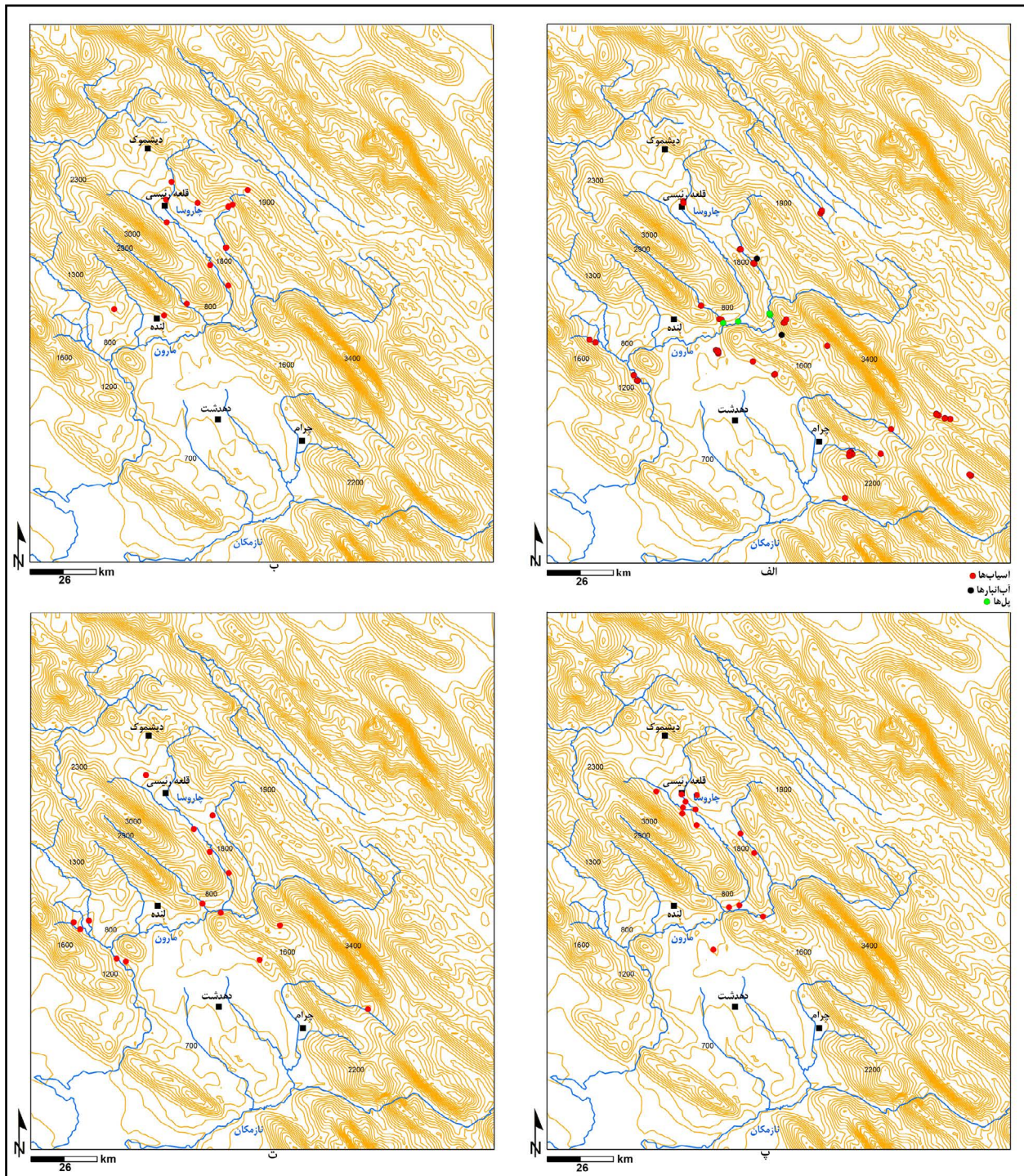
آثار شناسایی شده

همان‌طور که اشاره شد، در پایان بررسی‌های فصل دوم و سوم منطقه کُهِگیلویه، در مجموع شمار ۳۷۴ اثر باستانی از دوره پارینه‌سنگی میانه تا اواخر دوره قاجار



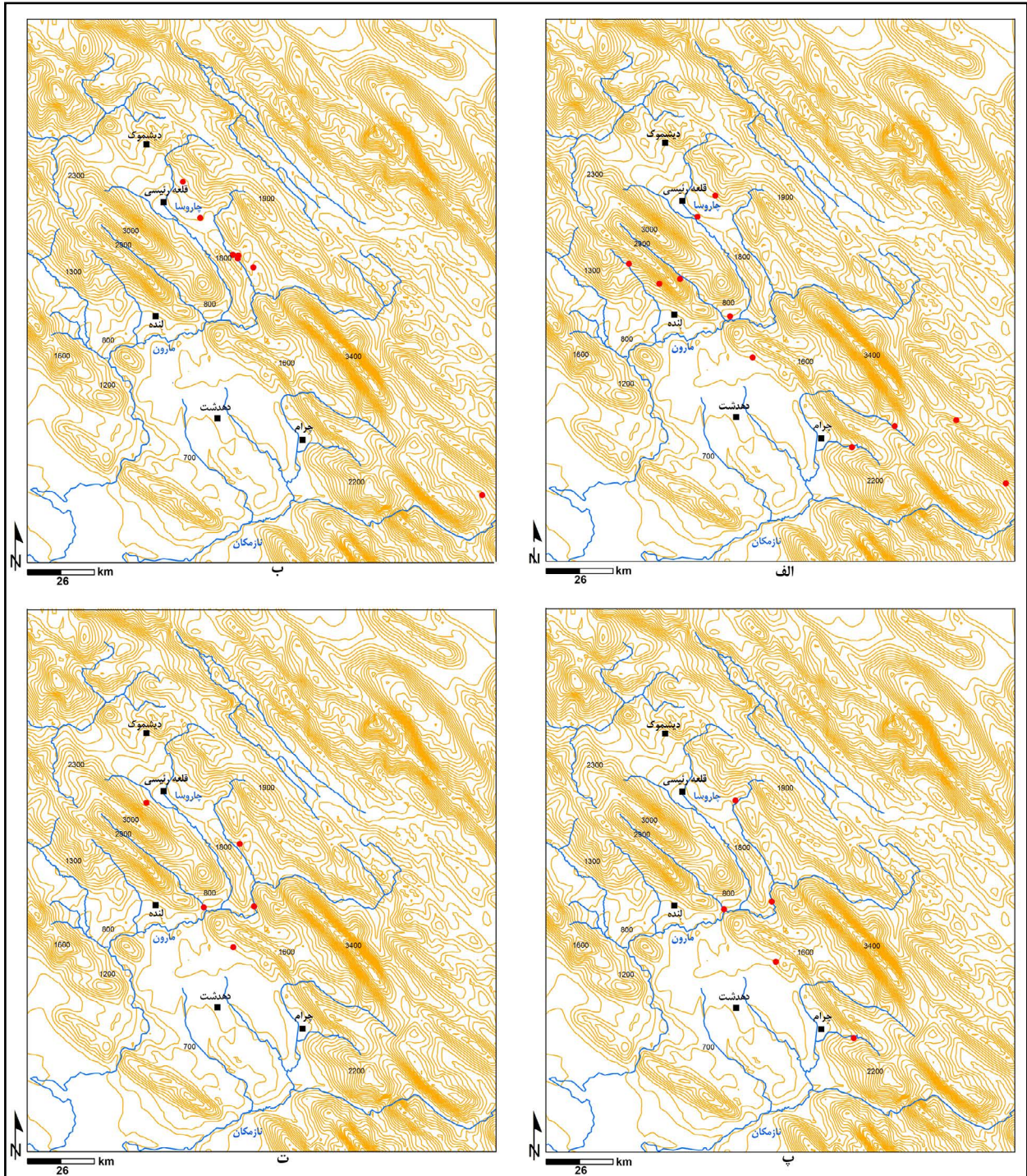
و اوایل دوره پهلوی شناسایی و بررسی شد (تصاویر ۲-۵). برای ارائه اطلاعات این بررسی‌ها، آثار شناسایی شده براساس نوع محوطه دسته‌بندی گردیده است؛ هدف نگارنده از ارائه اطلاعات بررسی به این شکل، آشنایی با گونه‌های مختلف آثار باستانی منطقه و شرایط زیست‌محیطی و بهره‌گیری ساکنان آن از پتانسیل‌های

▲ تصویر ۳. نقشه پراکنده آثار باستانی منطقه کهگیلویه؛ الف: محوطه‌ها، ب: تپه‌ها، پ: غارها، ت: پناهگاه‌های صخره‌ای (نگارنده ۱۳۹۹).



▲ تصویر ۴. نقشه پراکندگی آثار باستانی منطقه کَهگیلویه: الف: بناهای عام‌المنفعه، ب: بردگوری‌ها، پ: خانه‌های اربابی دارای استحکامات، ت: بناهای مذهبی (نگارنده ۱۳۹۹).

موجود، در دوره‌های مختلف است. از نظر ارتفاعی، پایین‌ترین اثر شناسایی شده در بخش‌های غربی منطقه و در ارتفاع ۵۷۰ متری و بلندترین محوطه با ارتفاع ۲۴۰۰ متر در بخش‌های جنوب شرقی منطقه بررسی قرار گرفته است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، به‌طورکلی، می‌توان آثار شناسایی‌شده را به ۱۵ گروه به



▲ تصویر ۵. نقشه پراکندگی آثار باستانی منطقه کهگیلویه؛ الف: دژهای کوهستانی، ب: گورستان‌ها، پ: راه‌های سنگ‌فرش، ت: کانال‌های انتقال آب (نگارنده ۱۳۹۹).

این ترتیب دسته‌بندی نمود: محوطه‌ها، تپه‌ها، غارها، پناهگاه‌های صخره‌ای، بناهای عام‌المنفعه، بردگوری‌ها، خانه‌های آریایی دارای استحکامات، بناهای مذهبی، دژهای کوهستانی، گورستان‌ها، راه‌های سنگ‌فرش، کانال‌های انتقال آب، سنگ‌آب‌ها، سنگ‌نشته‌ها و سنگرها (به ادامه بنگرید).

محوطه‌ها

محوطه‌های شناسایی شده خود به چند دسته شامل محوطه‌های با معماری سنگی خشکه‌چین، محوطه‌های با معماری سنگی و محوطه‌های باز تقسیم می‌شوند؛ در ادامه ویژگی‌های کلی هر گروه از این محوطه‌ها به صورت مختصر آورده شده است.

الف) محوطه‌های با معماری سنگی خشکه‌چین: محوطه‌های با معماری سنگی خشکه‌چین، پرشمارترین محوطه‌های شناسایی شده در بررسی‌های باستان‌شناختی فصل‌های دوم و سوم منطقه کَهگیلویه بوده و در مجموع، ۱۶۲ محوطه از این نوع شناسایی شده است (تصویر ۳ الف). در یک نگاه کلی می‌توان گفت که تقریباً همه این نوع محوطه شناسایی شده، در چشم‌انداز کوهستانی قرار گرفته و میانگین مساحت آن‌ها در حدود ۱ هکتار است. از نظر ارتفاعی پایین‌ترین محوطه شناسایی شده، محوطه موگر علیا در ارتفاع حدود ۵۷۰ متری در بخش‌های تقریباً جنوب‌غربی منطقه بررسی و بلندترین آن‌ها محوطه وزگل با ارتفاع حدود ۲۴۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد و در بخش‌های تقریباً جنوب‌شرقی منطقه بررسی است.

براساس شواهد، دسترسی آسان به منابع اصلی آب مانند رودخانه‌های دائمی و فصلی و چشمه‌ها، یکی از عوامل مهم شکل‌گیری این محوطه‌ها بوده است. این محوطه‌ها تقریباً در هر جایی از چشم‌انداز کوهستانی منطقه، به‌ویژه دامنه ارتفاعات، دهانه و داخل تنگه‌ها و دره‌ها دیده می‌شوند. این عامل به دلیل جاری بودن منابع آب، هم به شکل فصلی و هم دائمی در داخل دره‌ها و تنگه‌ها است. این محوطه‌ها بیشتر تک‌دوره‌ای بوده و دارای معماری سنگی به صورت خشکه‌چین‌اند؛ به این معنی که در ساخت آن‌ها از ملاط استفاده نشده است (تصویر ۶ الف). پلان بقایای معماری این محوطه‌ها بیشتر به صورت مربع و مستطیل بوده و در برخی موارد در بین آن‌ها اتاق‌هایی با پلان مدور نیز مشاهده می‌شود. نحوه اجرای پوشش سقف سازه‌های معماری معمولاً به دو شکل مسطح و پوشش با طاق‌های هلالی دیده می‌شود. با توجه به شیوه زندگی نیمه‌یک‌جانشینی^۴ رایج در این منطقه، برخی از این محوطه‌ها ممکن است روستاهای فصلی باشند (تصویر ۶ ب). مهم‌ترین شواهد برای تاریخ‌گذاری این محوطه‌ها، سفال‌های سطحی یافت‌شده از آن‌ها است. نمونه‌های تاریخ‌گذاری شده اساساً مربوط به دوران اسلامی و بیشتر سده‌های میانه و متأخر آن است (تصویر ۷)، اما مواردی نیز وجود دارد که آن‌ها را به دوران تاریخی منتسب کرده است (برای نمونه ر. ک. به: آزادی، ۱۳۸۸: ۹۶ و ۲۱۹). از آنجا که در



► تصویر ۶. نمونه‌هایی از محوطه‌های با معماری سنگی خشکه‌چین دوران اسلامی؛ الف) محوطه کمبوس بناری (بایاری)، دید از شمال‌غرب، ب) محوطه قافله‌په (۱)، دید از غرب (نگارنده، ۱۳۸۸).

ویژگی‌های معماری این محوطه‌ها تفاوت محسوسی دیده نمی‌شود، به نظر می‌رسد که این سنت معماری دست‌کم از دوران تاریخی به این سو تداوم داشته است.

(ب) محوطه‌های با معماری سنگی: محوطه‌های با معماری سنگی یکی دیگر از انواع محوطه‌های شناسایی شده در بررسی‌های منطقه کُهِگِیلویه است. وجه تمایز این نوع محوطه با محوطه با معماری سنگی خشکه چین، در استفاده از ملاط در ساخت بناها است. در مجموع ۳۴ محوطه از این نوع، در چشم‌اندازهای مختلف منطقه بررسی، شناسایی شد (تصویر ۳: الف). از آن‌جا که استفاده از ملاط باعث استحکام بیشتر سازه‌ها شده، به نظر می‌رسد که چنین محوطه‌هایی برای استقرارهای طولانی‌تر (؟) شکل گرفته‌اند و ممکن است که روستا باشند. میانگین مساحت این محوطه‌ها بین ۵/۰ تا ۵ هکتار است. از نظر ارتفاعی پایین‌ترین محوطه شناسایی شده، محوطه چل‌شور در ارتفاع حدود ۸۰۰ متری در بخش‌های تقریباً جنوب‌غربی لنده و بلندترین آن‌ها محوطه کوشک (۱) با ارتفاع حدود ۲۱۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد، در بخش‌های تقریباً جنوب‌شرقی منطقه بررسی است.

این محوطه‌ها معمولاً متشکل از اتاق‌هایی بوده که بیشتر دارای پلان مستطیل و در برخی موارد مربع هستند. در برخی از محوطه‌های این گروه، مانند محوطه‌های چل‌شور و تُولِیسه‌کُتَه آوند (تصویر ۸) که بقایای بیشتری از آن‌ها برجا مانده، پوشش بناها با استفاده از طاق‌وقوس‌های هلالی و جناغی بوده و ظاهراً سطح داخل و خارج سازه‌ها با گچ اندود شده است. در برخی از این محوطه‌ها مانند محوطه‌های دَرِه‌آخوندی و امامزاده علی، برخی از بناهای آن‌ها به نظر می‌رسد از دو طبقه ساخته شده‌اند. افزون بر سفال‌های سطحی، سبک ساختارهای معماری، از مهم‌ترین شواهد برای تاریخ‌گذاری این گونه محوطه‌ها است. بر این اساس، بیشتر این محوطه‌ها مربوط به سده‌های میانه و متأخر اسلامی هستند (برای آگاهی بیشتر در مورد تاریخ‌گذاری این محوطه‌ها ر. ک. به: آزادی، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹).

(پ) محوطه‌های باز: محوطه‌های باز شامل محوطه‌های با پراکندگی سفال (۷ محوطه)، محوطه‌های با پراکندگی سفال و دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی (۴ محوطه) و محوطه‌های تنها با پراکندگی دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی (۳ محوطه) هستند (تصویر ۳: الف). در مجموع، به جز محوطه گم‌کنک (تصویر ۹) که در چشم‌اندازی شبیه یک دشت کوچک با سیمای تپه‌ماهوری شکل گرفته است، دیگر محوطه‌ها چشم‌اندازی کوهستانی / تپه‌ماهوری دارند. از نظر ارتفاعی، پایین‌ترین محوطه شناسایی شده محوطه بردگشکی در ارتفاع ۷۲۳ متری، در بخش‌های غربی منطقه بررسی و بلندترین آن‌ها محوطه گم‌کنک با ارتفاع ۲۳۴۶ متر از سطح آب‌های آزاد در بخش‌های جنوب‌شرقی است.

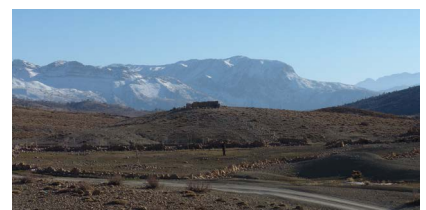
محوطه‌های دارای پراکندگی سفال بین ۰/۷۵ (تل بادام) تا ۲/۱ (بیدک سالار) هکتار مساحت دارند و همه آن‌ها در چشم‌اندازی کوهستانی / تپه‌ماهوری شکل گرفته‌اند. بر اساس یافته‌های سطحی، دو محوطه گوشه‌غلیا و تل بادام را به‌طور کلی به دوره پیش‌تاریخ و سده‌های میانه و متأخر اسلامی، محوطه قنات و ربونی را به دوره‌های تاریخی و اسلامی و محوطه‌های بردگشکی، برآفتاب



▲ تصویر ۷. گزیده‌ای از سفال‌های محوطه‌های با معماری سنگی خشکه چین (نگارنده، ۱۳۸۸).



▲ تصویر ۸. محوطه تُولِیسه‌کُتَه آوند، نمونه محوطه‌های با معماری سنگی، دید از شمال (نگارنده، ۱۳۸۸).



▲ تصویر ۹. محوطه باز گم‌کنک از دوره پارینه‌سنگی میانه، دید از شمال (نگارنده، ۱۳۸۹).

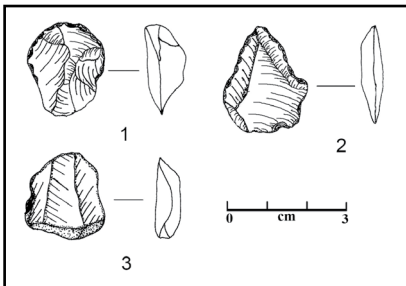
میرزاقمهدعلی، دول‌آب‌زا و بیدک سالار را به سده‌های میانه و متأخر اسلامی نسبت داده شده است.

محوطه‌های شامل پراکندگی سفال و دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی بین ۰/۶ (محوطه سرگردار) تا ۱/۴ (محوطه گم-کینک) هکتار مساحت دارند. این محوطه‌ها در چشم‌اندازهای کوهستانی و تپه‌ماهوری منطقه شکل گرفته‌اند. مواد سطحی این محوطه‌ها شامل یافته‌هایی از دوره‌های پارینه‌سنگی میانه، فراپارینه‌سنگی و دوران اسلامی است (تصویر ۱۰).

محوطه‌های با پراکندگی دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی، تقریباً در بخش‌های مرکزی منطقه بررسی و در چشم‌اندازی کوهستانی تا تپه‌ماهوری شکل قرار گرفته‌اند. از نظر مساحت کوچک‌ترین این محوطه‌ها، محوطه تنگ لا با ۰/۳ هکتار و بزرگ‌ترین آن‌ها محوطه ده‌مکی با ۳/۴ هکتار است. براساس یافته‌های سطحی، قدمت این محوطه‌ها احتمالاً مربوط به دوره‌های فراپارینه‌سنگی و آغاز نوسنگی هستند.

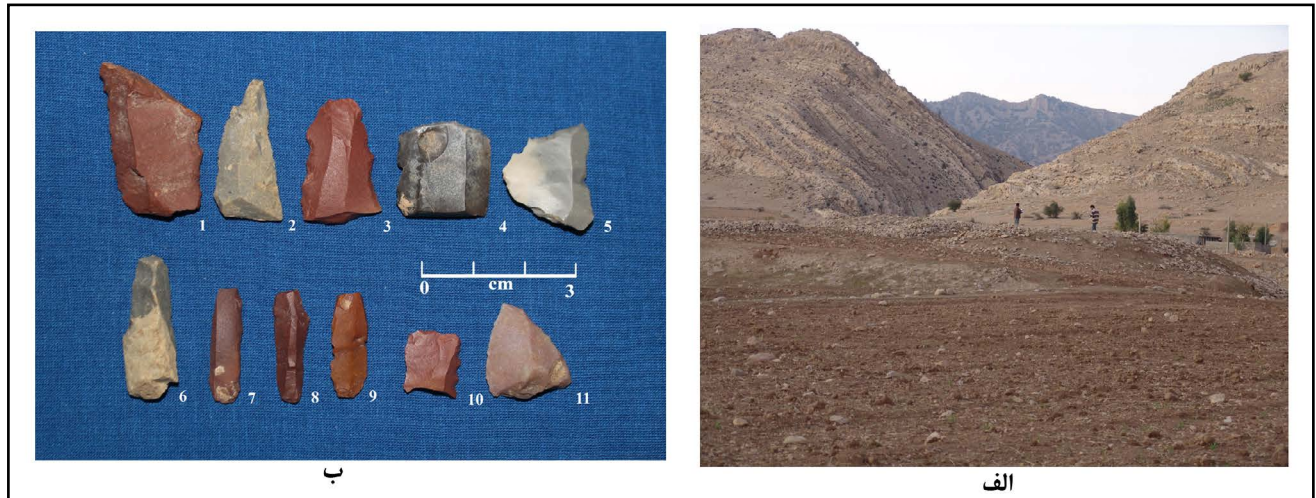
تپه‌ها

کوهستانی بودن چشم‌انداز منطقه بررسی و نبود شرایط محیطی مناسب و نیز ساختار معیشتی جوامع منطقه برای شکل‌گیری تپه‌های حاصل از نهشته‌های استقراری، باعث‌گردیده که تپه‌ها، یکی از کم‌شمارترین انواع محوطه‌های شناسایی شده باشد؛ به‌گونه‌ای که تنها ۳ محوطه تپه‌ای در بررسی‌های منطقه شناسایی گردید (تصویر ۳: ب). این تپه‌ها شامل تُل گردو، تُل بَرَفدونه و تپه تنگ‌کوشک است. تُل گردو در بخش‌های شمالی دهدشت و تُل بَرَفدونه و تپه تنگ‌کوشک در منطقه قلعه‌رئیسی قرار دارند. تُل گردو مساحتی در حدود ۰/۴۲ هکتار داشته و به‌نظر می‌رسد ضخامت نهشته‌های باستانی آن در حدود ۲ متر است (تصویر ۱۱: الف). پراکندگی مواد فرهنگی بر سطح تل گردو شامل بقایای معماری احتمالی، سفال‌های دوران اسلامی و دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی است. وجود ابزارهای هندسی و خراشنده‌های انتهایی و ریزتیغه‌ها در مجموعه گردآوری شده از سطح این تپه قابل توجه است که بیشتر در مجموعه‌های دوره فراپارینه‌سنگی به‌این سو دیده می‌شوند (تصویر ۱۱: ب).



▲ تصویر ۱۰. گزیده‌ای از دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی محوطه گم‌کینک؛ ۱. خراشنده زورقی، ۲. خراشنده همگرا، ۳. تراشه روتوش شده (نگارنده، ۱۳۸۸).

تپه تنگ‌کوشک در دامنه ارتفاعات کوشک قرار گرفته و مساحت آن در حدود ۳/۷۵ هکتار بوده و بخشی از آن بر بستری صخره‌ای شکل‌گرفته است. به‌نظر می‌رسد ضخامت نهشته‌های باستانی این تپه در حدود یک متر است. پراکندگی سفال‌های متعلق به سده‌های میانه اسلامی بر سطح این تپه به نسبت زیاد بوده و بقایای آثار معماری شامل تکه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ است. تل بَرَفدونه در بین ارتفاعات موسوم به مازه مورک قرار گرفته و مساحت آن در حدود ۰/۰۲ هکتار است. سطح محوطه دارای پراکندگی اندک سفال بوده و به‌نظر می‌رسد ضخامت نهشته‌های باستانی آن در حدود ۱/۵ متر است. سفال‌های این محوطه احتمالاً متعلق به سده‌های میانه و متأخر اسلامی است.



غارها

تصویر ۱۱. الف) تُل گردو، دید از جنوب شرق، ب) گزیده‌ای از دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی تُل گردو: ۱. خراشنده یک‌سویه بر روی تیغه، ۲. اسکنه، ۳. تیغه کنگره‌دار، ۴. خراشنده انتهایی بر روی تیغه، ۵. هندسی، ۶. ریزتیغه ساده، ۷ و ۱۰. خراشنده یک‌سویه بر روی ریزتیغه، ۸ و ۹. ریزتیغه ساده، ۱۱. خراشنده یک‌سویه (نگارنده، ۱۳۸۹). ▼

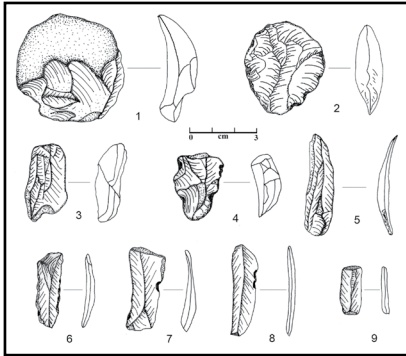
در مجموع، در بررسی‌های این دو فصل، شمار ۱۳ غار شناسایی شد (تصویر ۳: پ). این محوطه‌ها شامل اشکفت‌های گبکی، رَشدان، قافله‌به، چلی، دهنه تنگ سیاه ۱، ۲ و ۳، اشکفت سیاه، اشکفت‌های لا ۱ و ۲، ده‌مکی، کوه پات و گویله است. بیشترین تمرکز غارها در بخش‌های جنوب شرقی چرام، در حوالی روستای توگبری است. از نظر ارتفاعی، پایین‌ترین غار، اشکفت گویله با ۷۳۶ متر و بلندترین غار شناسایی شده، اشکفت سیاه با ۱۶۵۷ متر از سطح آب‌های آزاد است. مساحت این غارها بین ۱۲ تا ۱۰۰۰ متر مربع است.

از بین غارهای شناسایی شده، اشکفت سیاه وضعیتی ویژه دارد (تصویر ۱۲). این اشکفت در بخشی از ارتفاعات کوه دهنه تنگ سیاه قرار گرفته است. ارتفاع دهانه این اشکفت از سطح دره تنگ سیاه در حدود ۴۰ متر، جهت دهانه به سمت جنوب و شکل تقریبی دهانه آن مثلثی است. ارتفاع دهانه اشکفت در حدود ۲۵ متر، عرض دهانه در حدود ۳۸ متر و عمق آن در حدود ۲۸ متر است. حداکثر ارتفاع سقف این اشکفت ۲۰ متر و حداکثر عرض آن در حدود ۵۰ متر است. کف این اشکفت بستر خاکی دارد و درون آن کاملاً روشن است. از بررسی این اشکفت شماری دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی از جنس چرت و فلینت، به‌رنگ‌های قهوه‌ای، خاکستری تیره/ روشن و صورتی یافت شد. این دست‌ساخت‌ها شامل: سنگ مادر ریزتیغه، ریزتیغه‌های روتوش شده و ساده و تراشه‌های ساده است (تصویر ۱۳). افزون بر دست‌ساخت‌ها از سطح این اشکفت، شماری تکه‌سفال مربوط به سده‌های میانه اسلامی نیز گردآوری شد.

در مجموع، مواد فرهنگی سطح این غارها شامل دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی و سفال بوده که در برخی از آن‌ها سفال و دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی توأمان و در برخی دیگر از غارها نیز تنها سفال یا دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی یافت شده است. براساس یافته‌های سطحی، قدمت این غارها احتمالاً مربوط به دوره‌های فراپارینه‌سنگی و آغاز نوسنگی (اشکفت‌های سیاه، گبکی، قافله‌به و اشکفت‌های



▲ تصویر ۱۲. اشکفت سیاه، دید از جنوب (نگارنده، ۱۳۸۸).



▲ تصویر ۱۳. گزیده‌ای از دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی اشکفت سیاه: ۱. تراشه ساده، ۲. دورویه، ۳. سنگ‌مادر ریزتیغه، ۴. دندان‌دار، ۵ و ۹. ریزتیغه ساده، ۶، ۷ و ۸. ریزتیغی روتوش‌شده (نگارنده، ۱۳۸۸).

دهنه سیاه ۱، ۲ و ۳)، دوره آغاز ایلامی (اشکفت چلی)، دوران تاریخی (؟)، (اشکفت‌های لا ۱ و ۲) و سده‌های میانه و متأخر اسلامی (اشکفت‌های سیاه و گویله) است (برای آگاهی بیشتر در مورد قدمت این غارها ر. ک. به: آزادی ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹).

پناهگاه‌های صخره‌ای

در این بررسی‌ها، ۸ پناهگاه صخره‌ای شناسایی شد (تصویر ۳: ت). این پناهگاه‌ها شامل پناهگاه‌های صخره‌ای گول‌آو، کبکی، قافله‌به ۱، ۲ و ۳، آب‌انبار، گمردوغ و مهتابی است. بیشتر پناهگاه‌های صخره‌ای نیز مانند غارها، در بخش‌های جنوب شرقی چرام و در حوالی روستای توگبری قرار گرفته‌اند. ارتفاعی که این پناهگاه‌ها در آن قرار گرفته‌اند بین ۹۳۰ متر (پناهگاه صخره‌ای مهتابی) و ۱۷۷۵ متر (پناهگاه صخره‌ای آب‌انبار) است. بیشترین مساحت، مربوط به پناهگاه‌ها صخره‌ای آب‌انبار با ۵۲۵ مترمربع و کمترین آن مربوط به پناهگاه صخره‌ای گمردوغ با حدود ۶ مترمربع است.

همانند غارها، مواد فرهنگی سطح این پناهگاه‌ها شامل دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی و سفال بوده که در برخی از آن‌ها سفال و دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی توأمان و در برخی دیگر، تنها سفال یا دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی یافت شده است. براساس یافته‌های سطحی، قدمت این پناهگاه‌ها احتمالاً مربوط به دوره‌های فرایارینه‌سنگی و آغاز نوسنگی (پناهگاه‌های صخره‌ای مهتابی، کبکی و قافله‌به ۱، ۲ و ۳)، دوران تاریخی (پناهگاه صخره‌ای آب‌انبار) و دوران اسلامی (پناهگاه‌های صخره‌ای گمردوغ، آب‌انبار و قافله‌به ۱) است.

بناهای عام‌المنفعه

این بناها خود به ۳ دسته شامل: آسیاب‌ها، پل‌ها و آب‌انبارها تقسیم می‌شوند که در ادامه اطلاعات مربوط به هر گروه به شکل مجزا آورده شده است (تصویر ۴: الف).
الف) آسیاب‌ها: در این بررسی‌ها شمار ۵۵ آسیاب شناسایی شد (تصویر ۱۴). این آسیاب‌ها دارای ویژگی‌های کم‌وبیش یکسانی هستند. آن‌ها مشخصاً در حاشیه رودخانه‌های دائمی و فصلی، نهرها و جوی‌های آب ساخته شده‌اند. براساس شواهد موجود، به نظر می‌رسد که پراکندگی آسیاب‌ها در مناطقی است که شرایط مساعدتری برای فعالیت‌های کشاورزی وجود داشته. مصالح استفاده‌شده برای ساخت این آسیاب‌ها به‌طور عمده از سنگ، ساروج و گچ است. ساختار اصلی آسیاب‌ها از سه بخش تشکیل شده است. بخش نخست شامل یک فضای اتاق‌مانند، با پلان‌های تقریباً مربع و مستطیل و در برخی موارد، تاحدودی مدور است که در بخش‌های پایین تنوره آسیاب ساخته شده است. بخش دوم، شامل مجرای ریزش آب یا تنوره آسیاب است؛ تنوره آسیاب‌ها سازه‌ای استوانه‌ای شکل بوده که از نظر ارتفاع و قطر دهانه با هم دیگر متفاوت هستند. این تنوره‌ها بین ۳ تا ۶ متر ارتفاع داشته و قطر تقریبی دهانه آن‌ها نیز بین ۱ تا ۱/۵ متر است. بخش سوم آسیاب‌ها، جوی‌های آبی است که برای هدایت آب به‌داخل تنوره آسیاب ساخته



▲ تصویر ۱۴. آسیاب دره آسیاب (۴)، دید از جنوب شرقی؛ نمونه‌ای از آسیاب‌های منطقه کَهگیلویه (نگارنده، ۱۳۸۸).

شده‌اند. در نبود یافته‌های سطحی، ملاک دقیقی برای تاریخ‌گذاری آسیاب‌ها وجود ندارد. براساس گفته‌های اهالی محل، بیشتر این آسیاب‌ها تا دهه‌های قبل نیز مورد استفاده بوده‌اند.

ب) پل‌ها: پل‌های قلعه دختر، زوات، مه‌رگی و بردبرد مه‌رگی، ۴ پل شناسایی شده در این بررسی‌ها است. رودخانه مارون از گذشته تاکنون، همواره یک مانع برای دسترسی به بخش‌های شمالی منطقه کُهگیلویه بوده و به همین سبب به جز پل زوات که بر روی رودخانه چن ساخته شده، دیگر پل‌ها بر روی رودخانه مارون ساخته شده‌اند. این پل‌ها با استفاده از سنگ، گچ و ساروج ساخته شده و از یک یا دو سو، به بسترهای صخره‌ای تکیه دارند. از پل‌های مه‌رگی و بردبرد مه‌رگی تنها بقایای اندکی از پایه‌ها و از پل زوات بقایای پایه و بخشی از یک طاق چشمه باقی مانده و همین امر تاریخ‌گذاری آن‌ها را دشوار می‌کند. مهم‌ترین این پل‌ها، اما، پل قلعه دختر است (تصویر ۱۵). از این پل بقایای ۲ طاق چشمه باقی مانده و ساختار معماری آن به ساختارهای دوره سلجوقی و صفوی شباهت دارد.

پ) آب‌انبارها: آب‌انبارهای شناسایی شده، ۲ نمونه بوده و به نام‌های آب‌انبار اشکفت لا و آب‌انبار سردآو شناخته می‌شوند. هر دوی این آب‌انبارها با استفاده از سنگ و ساروج، و به صورت منفرد ساخته شده‌اند. با توجه به شناسایی نشدن محوطه‌های استقرار در نزدیکی این آب‌انبارها، احتمالاً کاربری آب‌انبار سردآو جهت استفاده‌های کشاورزی بوده و آب‌انبار اشکفت لا نیز ممکن است با استفاده از فضای اشکفت لا در ارتباط باشد که در بخش معرفی غارها به آن اشاره شده است. در نبود یافته‌های سطحی در سطح و اطراف این محوطه‌ها، تاریخ‌گذاری آن‌ها دشوار است و نمی‌توان با اطمینان در مورد آن‌ها اظهار نظر نمود.

بردگوری‌ها

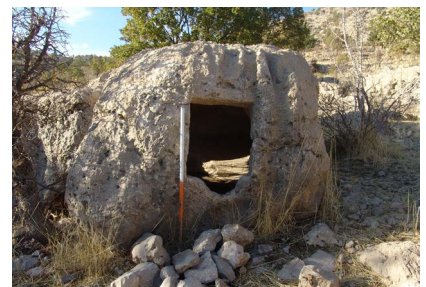
در بررسی‌های فصل دوم و سوم منطقه کُهگیلویه ۱۵ بردگوری شناسایی شد (تصویر ۴: ب). این بردگوری‌های شامل: بیشه‌ای، چله‌خونه دلی مهتاب (تصویر ۱۶)، لیرکائید ۱ و ۲، شوار، قلعه‌بنی ۱ و ۲، بردچله‌خونه گل‌زرینی، گچی، ده‌مورد، کوشک بی‌سیتون، بردچله‌خونه قلعه رئیسی، سنگ‌صورتی گراب، ده‌خان و تنگ‌لنده هستند.

بیشتر بردگوری‌ها در بلوک‌های سنگی به نسبت بزرگی از جنس سنگ آهک و سنگ ماسه ایجاد شده‌اند. این سنگ‌ها بین ۲۵ تا ۴/۵۰ متر طول، ۱۰ تا ۳/۵۰ متر عرض و ۲ تا ۱/۵۰ متر ارتفاع دارند. دو مورد از این بردگوری‌ها نیز بر بدنه صخره‌هایی ایجاد شده‌اند که دسترسی به آن‌ها به سادگی ممکن نیست. از نمونه‌های این موارد می‌توان به بردگوری شوار در ارتفاع تقریباً ۷ متری از سطح زمین و بردگوری تنگ‌لنده اشاره نمود.

ورودی بردگوری‌ها بیشتر به شکل مربع و چند مورد نیز مستطیل شکل است. تنها نمونه تزئین شده آن‌ها، اطراف ورودی بردگوری بیشه‌ای بوده که دارای قابی با گوشه‌های مدور به پهنا ۵ و عمق حدود ۳ سانتی‌متر است. فضای داخلی بردگوری‌های این منطقه پلان‌های مختلف مانند: مربع، مستطیل، بیضی،



▲ تصویر ۱۵. بقایای پل قلعه دختر، دید از شرق (نگارنده، ۱۳۸۹).



▲ تصویر ۱۶. بردگوری چله‌خونه دلی مهتاب، دید از شرق (نگارنده، ۱۳۸۹).

نیم‌دایره و نامنظم دارند. به‌طور میانگین، فضای داخل آن‌ها بین ۱/۲۰ تا ۲/۴۰ متر درازا، ۲/۳۰ تا ۷۰ سانتی‌متر پهنا و ۸۵ تا ۱/۲۰ متر ارتفاع دارند. در فضای کف چند مورد از آن‌ها حفره‌هایی مستطیل‌شکل وجود دارد که بین ۱/۵۰ تا ۵۰ سانتی‌متر طول، ۳۰ تا ۵۰ سانتی‌متر عرض و ۵ تا ۲۰ سانتی‌متر عمق دارند. در بخش داخلی و بلافاصله در کنار ورودی برخی از این بردگوری‌ها، حفره‌های گردی به قطر حدود ۱۰ سانتی‌متر و عمق بین ۵ تا ۷ سانتی‌متر دیده می‌شود که به نظر می‌رسد محل قرار گرفتن پاشنه‌های دَر آن‌ها هستند.

با توجه به این‌که در این بردگوری‌ها هیچ کتیبه و نقش برجسته‌ای شناسایی نشده است، در مورد تاریخ‌گذاری این محوطه‌ها نمی‌توان با اطمینان سخن گفت؛ با این حال، با توجه به نمونه‌های شناسایی شده در سایر مناطق ایران از جمله: خوزستان، فارس و چهارمحال بختیاری، برخی از پژوهشگران درباره کارکرد آن‌ها هم‌رأی بوده و قدمت آن‌ها را مربوط به دوره‌های هخامنشی تا ساسانی می‌دانند (برای نمونه ر. ک. به: ترومپلمن، ۱۳۷۲؛ سیدین بروجنی، ۱۳۹۱).

خانه‌های اربابی دارای استحکامات

منظور از خانه‌های اربابی، بناهایی هستند که متعلق به خوانین منطقه بوده و اهالی این بناها را به نام «قلعه» می‌شناسند. همه این بناها در واقع مکان‌های مسکونی و دارای استحکامات هستند. شمار خانه‌های اربابی شناسایی شده در این بررسی‌ها ۱۴ مورد است (تصویر ۴: پ). این بناها شامل: قلعه‌رئییسی، قلعه شوتاور، قلعه دم‌عباس، قلعه بنی، قلعه دختر، قلعه موشمی مرکزی، قلعه جلو، قلعه کوشک طیبی، و قلعه‌های المور، الگن، گراب، گلات، گل و راک هستند. همه این بناها در بافت‌های روستایی منطقه قرار داشته و تمرکز آن‌ها در بخش‌های شمالی منطقه بررسی چشم‌گیرتر است.

مصالح استفاده شده در ساخت این بناها از سنگ و گچ بوده و در مواردی نیز از ساروج استفاده شده است. مساحت این بناها با هم متفاوت بوده و به‌ظاهر اندازه آن‌ها بسته به میزان قدرت و وضعیت اقتصادی خوانین داشته است. پلان این بناها معمولاً به‌شکل مربع و مستطیل بوده و بعضی از آن‌ها از دو طبقه ساخته شده‌اند. پوشش سقف این بناها هم به‌شکل مسطح و با استفاده از چوب و هم به‌شکل طاق و قوس (بیشتر به صورت طاق‌های جناغی) است. در بناهای بزرگ‌تر مانند قلعه‌رئییسی، فضاهایی با کارکردهای مختلف در این بناها وجود داشته است. اتاق‌های نگهبانی و خدمه، مکان‌هایی جهت پخت‌وپز، اصطبل و اتاق‌هایی برای سکونت اهل خانواده که معمولاً در طبقه دوم بوده، از آن جمله‌اند (تصویر ۱۷). بنیان ساخت برخی از این بناها از زمان قاجار بوده و تا دوره پهلوی نیز از آن‌ها استفاده می‌شده است.



▲ تصویر ۱۷. قلعه‌رئییسی، دید از جنوب؛ نمونه‌ای از خانه‌های اربابی دارای استحکامات (نگارنده، ۱۳۸۹).

بناهای مذهبی

بناهای مذهبی شناسایی شده در این بررسی‌ها ۱۵ مورد است (تصویر ۴: ت). این

بناها شامل: امامزاده‌های شهیلون، بی‌بی‌زری، صاحب‌رضا، شاه‌حمزه، شهسوار غیب، عباس، ابراهیم، جمشید، احمد، رضا، شاهزاده‌عبدالله، شهسوار دِه‌بندر، امامزاده یحیی (شیخ‌هاییل) و بناهای بال سوخته ۱ و کلی‌توقلاتی است. همه این بناها با استفاده از سنگ و گچ ساخته شده‌اند. به جز بنای امامزاده صاحب‌رضا که دارای پلانی هشت‌ضلعی است، موارد دیگر، پلانی مربع یا مستطیل‌شکل دارند. مساحت این بناها بین ۱۶ تا ۶۴ مترمربع بوده و ارتفاع آن‌ها بین ۴ تا ۶/۵ متر است. برای اجرای پوشش گنبدی‌شکل بنای امامزاده‌های شاهزاده عبدالله، امامزاده رضا، شاه‌جعفر، امامزاده عباس و بنای بال سوخته ۱ از فیپوش استفاده شده است. در اطراف ۷ مورد از بنای امامزاده‌ها بقایای محوطه‌هایی با مساحتی بین ۱ تا ۱۵ هکتار و با معماری سنگی به چشم می‌خورد که برخی از آن‌ها پراکندگی سفال نیز دارند. در بین این بناها، بنای امامزاده یحیی (شیخ‌هاییل) دارای پوششی به شکل گنبد اُرچین بوده که جزو نمونه‌های کم‌شمار در منطقه کُهگیلویه محسوب می‌شود (برای آگاهی بیشتر در مورد این بنا ر. ک. به: قزلباش و آزادی، ۱۳۸۹). به‌طور کلی، با توجه به ساختار معماری بناها و نیز سفال‌های گردآوری شده از سطح محوطه‌های اطراف برخی از امامزاده‌ها، می‌توان آن‌ها را به سده‌های میانه و متأخر اسلامی نسبت داد. از بناهای اشاره‌شده، بناهای بال سوخته ۱ و کلی‌توقلاتی متفاوت‌تر از بقیه هستند؛ این بناها مشخصاً امامزاده نیستند. ساختار معماری بنای کلی‌توقلاتی شبیه به ساختارهای سده‌های میانه و متأخر اسلامی منطقه است، اما بنای بال سوخته ۱ (تصویر ۱۸) ساختاری متفاوت‌تر داشته و به نظر قدیمی‌تر می‌رسد؛ دقیقاً مشابه چنین بنایی را به دوران ساسانی و اسلامی نسبت داده‌اند (ر. ک. به: یغمایی، ۱۳۸۳: ۶۶).

دژهای کوهستانی

دژهای کوهستانی (۱۱ مورد) از دیگر انواع محوطه‌های شناسایی شده در بررسی‌های کُهگیلویه است (تصویر ۵: الف). این محوطه‌ها شامل: دژهای قلعه‌چه آرند، قلعه‌چه ۲ (شراوگرو)، تیزآب، میرعلی مَمی، داؤدور کوشک بی‌سیتون (تصویر ۱۹)، داؤدور کوشک طیبی، کِر دالو، مونه، گوسرخ، قلعه‌چه (ده‌رمضان) و گرد کلات هستند. این دژها معمولاً از چند جهت به شیب‌های بسیار تند منتهی می‌شوند؛ به نحوی که دسترسی به آن‌ها به‌سادگی ممکن نیست.

از نظر ساختار معماری این دژها دو گونه‌اند؛ گروه اول، آن‌هایی هستند که با استفاده از سنگ و ملات گچ ساخته شده‌اند و در واقع گروه بیشتری را شامل می‌شوند (۸ محوطه). با توجه به شواهد موجود از جمله یافته‌های سطحی مانند سفال و ساختارهای معماری، این گروه دژها را به دوران تاریخی و سده‌های میانه اسلامی منتسب گردیده‌اند (برای آگاهی بیشتر در مورد تاریخ‌گذاری این دژها ر. ک. به: آزادی، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸). گروه دوم این دژها، آن‌هایی هستند که به‌صورت خشکه‌چین ساخته شده‌اند (۳ مورد). این محوطه‌ها شامل: دژهای مونه، قلعه‌چه (ده‌رمضان) و دژ گرد کلات است. ساختارهای معماری این دژها بیشتر به شکل



▲ تصویر ۱۸. بنای بال سوخته (۱)، دید از جنوب شرق (نگارنده، ۱۳۸۸).



▲ تصویر ۱۹. دژ داؤدور، دید از شمال غرب (نگارنده، ۱۳۸۹).



▲ تصویر ۲۰. گورستان درهٔ دولاب شیرین، دید از غرب (نگارنده، ۱۳۸۹).

اتاق‌ها و حصار باقی مانده است. بقایا و شواهد کافی برای تاریخ‌گذاری دقیق این دژها وجود ندارد؛ با این حال، از سطح دژ مونه، چند تکه سفال گردآوری شد که یک تکه از آن‌ها سفال لعابدار آبی است که سطح آن ترک‌ترک شده است؛ با قید احتمال، شاید بتوان این تکه سفال را به دورهٔ اشکانی / ساسانی (?) نسبت داد. سفال‌های دیگر این دژ، احتمالاً سفال‌های دوران اسلامی هستند. پراکندگی سفال بر سطح دژ قلعه چه به نسبت بیشتر و متعلق به سده‌های میانهٔ اسلامی هستند. از دژ گرد کلات هم چند تکه سفال یافت شد که آن‌ها را به دوران اسلامی منتسب دانسته‌ایم (ر. ک. به: آزادی، ۱۳۸۹: ۷۲۰).

گورستان‌ها

به لحاظ چشم‌انداز ریخت‌شناسی طبیعی، گورستان‌های شناسایی شده که شمار آن‌ها ۷ مورد است، در شیب‌های طبیعی دامنه‌ها و روی پشته‌های طبیعی دیده شده‌اند که تمامی آن‌ها مورد حفاری غیرمجاز قرار گرفته‌اند (تصویر ۵: ب). این محوطه‌ها شامل: گورستان‌های دَمِ دَره‌بید، کوشک دشمن‌زیاری، لا، ورتل، کوشک قندی، درهٔ دولاب شیرین و گورستان له‌مورد هستند. از نظر گونه‌شناسی، این گورستان‌ها را دست‌کم می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ گروه اول، که یک نمونه از آن شناسایی شده (گورستان درهٔ دولاب شیرین) دارای پوشش‌هایی خرپشته‌ای شکل هستند (تصویر ۲۰). ساختار معماری گورهای این گورستان قابل مقایسه با گورهای گورستان لَمَا در منطقهٔ بویراحمد است (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۶). گروه دوم، گورستان‌های شناسایی شده آن‌هایی هستند که پلان مستطیل‌شکل داشته و پوشش آن‌ها مسطح است. تاریخ‌گذاری نمونه‌هایی که فاقد یافته‌های سطحی بودند اندکی دشوار است، اما در اطراف گورستان‌های لا، ورتل، کوشک قندی و کوشک دشمن‌زیاری شماری تکه سفال یافت شد که آن‌ها را به دورهٔ ایلامی منتسب شده‌اند (ر. ک. به: آزادی، ۱۳۸۹: ۶۴-۶۰).

تصویر ۲۱. الف) بخشی از راه سنگ‌فرش کَمردوغ، دید از جنوب شرقی، ب) کانال انتقال آب قلعه چه، دید از شمال (نگارنده، ۱۳۸۹). ▼



ب

الف

راه‌های سنگ‌فرش

یکی از مهم‌ترین یافته‌های بررسی‌های باستان‌شناختی این منطقه، بقایای راه‌های سنگ‌فرش است (تصویر ۵: پ). در این بررسی‌ها شواهد ۵ راه سنگ‌فرش شامل راه‌های سنگ‌فرش قلعه‌چه، گمردوغ (تصویر ۲۱: الف)، لیرکک، تنگ سپو و تنگ زرد شناسایی شد. به نظر می‌رسد ساخت این راه‌ها، متأثر از محیط پیرامون است؛ در این منطقه، از مصالح بوم‌آورد به ساده‌ترین شکل استفاده شده و در ساخت راه‌ها اندک دست‌کاری‌های ممکن در طبیعت انجام شده و در برخی موارد، صخره‌های کوه را تراشیده و در آن راه ایجاد نموده‌اند. نتیجه این گونه تعامل منطقی با طبیعت به ساخت راه‌هایی منجر شده که برای مدت‌های مدید، حتی، تا به امروز کارایی داشته است.

برای ارائه گاهنگاری درستی از این راه‌ها، با نبود شواهد کافی روبه‌رو هستیم. با وجود یافت شدن سفال بر سطح برخی از آن‌ها، این سفال‌ها نمی‌توانند شواهد مطمئنی برای تاریخ‌گذاری باشند. با توجه به ماهیت اصلی این محوطه‌ها که به منظور آسانی در رفت و آمد از آن‌ها استفاده می‌شده، طبیعی است که سفال‌های یافت شده از سطح این محوطه‌ها مدارکی قابل اطمینان نیستند؛ زیرا ممکن است از این راه‌ها در دوره‌های مختلفی استفاده شده باشد و لزوماً این تکه سفال‌ها متعلق به دوره ساخت آن‌ها نباشند. راه‌های ارتباطی کهگیلویه از دو جنبه راه‌های ارتباطی کاروان‌های تجاری مسیر اصفهان به خوزستان و بنادر ساحلی مهربان و جنبه و بالعکس (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۶۷۳؛ حسینی‌منشی، ۱۳۸۵: ۲۲؛ کریمی، ۱۳۲۹: ۴۱) و راه‌های ایل‌روی کوچ‌نشینان منطقه (صفی‌نژاد، ۱۳۶۸: ۴۱؛ طاهری، ۱۳۸۸: ۲۵۷) قابل بررسی و مطالعه هستند.

کانال‌های انتقال آب

از بررسی‌های این منطقه بقایای ۴ کانال انتقال آب شناسایی شد (تصویر ۵: ت). این کانال‌ها شامل: کانال‌های آب لیرکک، آدرج، قلمه پس‌دز و جوی قلعه‌چه (تصویر ۲۱: ب) هستند. این کانال‌ها در نزدیکی منابع آب ساخته می‌شدند و هدف از ایجاد آن‌ها انتقال آب به بخش‌های مورد نظر بوده است. مهندسی ساخت این کانال‌ها سه گونه است؛ گونه اول، با استفاده از سنگ و ساروج ساخته شده؛ گونه دوم، آن‌هایی هستند که برای ایجاد آن‌ها صخره‌های کوه را تراشیده‌اند؛ و گونه سوم، که تنها یک نمونه بوده (جوی سنگی قلمه پس‌دز) در نوع خود بسیار جالب توجه و به شکل یک تونل ساخته شده است. این محوطه‌ها فاقد یافته‌های سطحی هستند و در نبود یافته‌های سطحی، تا انجام مطالعات دقیق‌تر، ملاکی برای تاریخ‌گذاری دقیق این کانال‌ها در دست نیست.

سنگ‌آب‌ها

«سنگ‌آب» یا «سنگ‌آو»، نامی است که محلی‌ها برای فضاهای کنده‌شده در سنگ به‌کار می‌برند و ظاهراً برای گردآوری آب در مقیاسی کوچک است. دو مورد از این

سنگ آب‌ها با نام‌های «هنه دَره‌بَر» و «سردآو» در این بررسی‌ها شناسایی شد. هنه دَره‌بَر در بستر یک بلوک سنگی بزرگ جداشده از کوه، در منطقه آرنده چرام گنده شده است. فضای کنده شده در این سنگ تقریباً مربع شکل، به ابعاد 70×60 سانتی‌متر و عمق حدود ۱۵ تا ۲۰ سانتی‌متر است. آثار سردآو شامل بقایای سه فضای کنده شده در سنگ است که همه آن‌ها تقریباً مستطیل شکل اند. این فضاها بین ۸۰ سانتی‌متر تا ۱ متر طول، ۵۰ تا ۶۰ سانتی‌متر عرض و حدود ۴۰ سانتی‌متر عمق دارند. تاریخ‌گذاری این آثار در نبود یافته‌های سطحی دشوار است.

سنگ‌نیشته‌ها

در این بررسی‌ها دو سنگ‌نیشته به نام «سنگ‌نیشته تنگ‌آلمون» و «سنگ‌نیشته تنگ‌آسیاب» شناسایی شد. سنگ‌نیشته تنگ‌آلمون در منطقه سردسیر و بیلاقی طسوج، در بخش‌های ابتدایی تنگ موسوم به آلمون و در ضلع غربی آن قرار دارد. این سنگ‌نیشته بر روی یک تکه سنگ جداشده از ارتفاعات ضلع غربی تنگ آلمون نگاشته شده است. کتیبه این سنگ‌نیشته به خط نستعلیق و دارای هشت سطر و مربوط به دوره قاجاریه است. سنگ‌نیشته تنگ‌آسیاب در داخل تنگه‌ای به همین نام و بر بدنه بخشی از صخره کوه تنگ‌آسیاب ایجاد شده است. طول این سنگ‌نیشته در حدود ۷۰ سانتی‌متر، عرض آن در حدود ۶۰ سانتی‌متر و ارتفاع آن از سطح زمین در حدود ۱ متر است. این سنگ‌نیشته در ۶ سطر نگاشته شده و به علت فرسایش شدید، خواندن آن دشوار است. تاریخ این سنگ‌نیشته ظاهراً ۱۳۰۱ ه.ش. (?) است.

سنگرها

منظور از این نوع محوطه‌ها، ساختارهای تدافعی منفردی است که در کوهستان‌های این منطقه ایجاد شده‌اند. دو محوطه از این نوع به نام‌های «سنگر شونگک» و «سنگر پاباغ گردو» شناسایی شد. سنگر شونگک در بخش‌های میانی ارتفاعات موسوم به «کوه سیاه» در منطقه دلی مِهَره قرار دارد. این محوطه شامل یک سازه دفاعی ساخته شده از تکه‌سنگ‌های بزرگ به طول بین یک تا دو متر، عرض حدود یک متر و ضخامت حدود ۵۰ سانتی‌متر است. پلان این سازه تقریباً نیم‌دایره بوده و در اضلاع شمال، شرق و غرب به پرتگاه منتهی شده و تنها راه دسترسی آن در ضلع جنوبی است. سنگر پاباغ گردو، در ضلع غربی ارتفاعات پاباغ گردو، در منطقه آرنده چرام قرار دارد. این بنا با استفاده از تکه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ به نسبت تراش خورده و به صورت خشکه‌چین ساخته شده است. پلان آن مستطیل شکل به طول $4/80$ ، عرض $2/30$ و ارتفاع حدود $1/70$ متر بوده و پوشش سقف آن با استفاده از تکه‌سنگ‌های بزرگ اجرا شده است. به نظر می‌رسد کارکرد این بنا نیز تدافعی بوده و برای نگهداری میوه اطراف ساخته شده است. در مورد تاریخ‌گذاری این محوطه‌ها نیز در نبود یافته‌های سطحی، نمی‌توان با اطمینان اظهار نظر نمود.

نتیجه‌گیری

باتوجه به شواهد موجود، مهم‌ترین گونه‌های آثار شناسایی شده منطقه گهگیلویه از دوره پیش از تاریخ، شامل غارها، پناهگاه‌های صخره‌ای و محوطه‌های باز هستند. به نظر می‌رسد که در این دوره بیشتر چشم‌انداز کوهستانی منطقه و منابع آن و نیز حاشیه رودخانه‌ها، از جمله رودخانه مارون در جذب گروه‌های انسانی نقش مؤثری داشته است. این مسئله تا حدود زیادی با ریخت‌شناسی طبیعی منطقه که دشت‌ها بخش کوچکی از این چشم‌انداز را تشکیل می‌دهد مرتبط است. مهم‌ترین آثار دوران تاریخی شامل برخی از محوطه‌های با معماری سنگی، بردگوری‌ها و گورستان‌ها است. شواهد این دوره نشان می‌دهد که این منطقه در دوران تاریخی نیز مورد توجه بوده است. نکته قابل توجه در ارتباط با گورستان‌های شناسایی شده، نبود محوطه‌های استقرار در اطراف آن‌ها است؛ از آن‌جا که برخی از این گورستان‌ها در مسیر ایلات کوچ‌رو فعلی هستند، شاید این گورستان‌ها نیز با اقوام کوچ‌رو گذشته در ارتباط باشد. همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، به‌طور کلی منطقه گهگیلویه دارای دو نوع آب‌وهوای متفاوت و از دو بخش سردسیر و گرمسیر تشکیل شده است. این تنوع آب و هوایی سبب شده که از گذشته تا حدود یک دهه پیش، شیوه‌ای از زندگی نیمه‌یکجانشینی در منطقه رواج داشته باشد. با توجه به این شیوه زندگی، قابل پیش‌بینی بود که شمار قابل توجهی از محوطه‌های شناسایی شده از نوع کوچ‌نشینی باشد. این گونه محوطه‌ها بیشتر در دامنه کوه‌ها، دهانه تنگه‌ها، بر روی ارتفاعات و البته در نزدیکی منابع آب قرار دارند. آن‌ها تک‌دوره‌ای بوده و معمولاً با معماری سنگی، که با استفاده از تکه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ تراش‌خورده و به صورت خشکه‌چین ساخته شده، همراه هستند. الگوی استقرار این محوطه‌ها با روستاهای امروزی تقریباً یکسان بوده و بیشتر آن‌ها مربوط به دوران اسلامی است که به احتمال قوی، با رونق شهر قدیم دهدشت^۵ در سده‌های میانه و متأخر دوران اسلامی و وجود نواحی اقماری پیرامون آن ارتباط دارد.

در نبود زمین‌های مستعد و کافی برای کشاورزی به دلیل کوهستانی بودن منطقه، بدون تردید، اراده و پشت‌کار مردمان این سرزمین در چیرگی بر طبیعت خشن منطقه و بهره‌وری و استفاده بهینه از زمین‌های سنگلاخی کوهستان‌ها کم‌نظیر بوده است؛ کوششی که اهمیت آن را شناسایی شمار زیادی از آسیاب‌های آبی (که برای آرد کردن محصولات چوب‌گندم و جو ساخته شده بودند) در منطقه بررسی، به خوبی نمایان می‌سازد. افزون بر آسیاب‌ها، وجود آب‌انبارهایی خارج از مناطق مسکونی (مانند: آب‌انبار سردآو) برای ذخیره آب و استفاده از آن در زمان مناسب برای زمین‌های کشاورزی و نیز کانال‌های انتقال آب، خود گواهی بر اثبات این مدعا هستند.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای آگاهی بیشتر درباره این بررسی‌ها نگاه کنید به: آزادی، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴ و آزادی و قزلباش، ۱۳۹۰.

۲. دلی در گویش محلی مردمان این منطقه، به دره‌های میان‌کوهی نسبتاً باز گفته می‌شود.
۳. شهر قدیم دهدشت که امروزه تقریباً بخش‌های جنوبی شهر فعلی دهدشت را شامل می‌شود، یکی از شهرهای دوره صفوی بوده و به‌عنوان یک مرکز سکونتی در این دوره از منظر اقتصادی و بازرگانی نقش ویژه‌ای را به‌منزله یک پل ارتباطی بین اصفهان به‌عنوان مرکز حکومت صفویان و بنادر جنوبی ایران ایفا می‌کرده است.
- ۴ - منظور ما از شیوه زندگی نیمه‌یکجانشینی گونه‌ای کوچ درون منطقه‌ای است؛ به این معنی که مردم این منطقه در اوایل فصل بهار از مناطق گرمسیر به سوی مناطق مرتفع که در واقع سرحد یا بیلاق محسوب می‌شود نقل مکان می‌کنند و در اواخر تابستان مجدداً به مناطق گرمسیر باز می‌گردند. با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از معیشت مردمان این منطقه برپایه دامپروری بوده، هدف از این کوچ استفاده از چراگاه‌های مناطق سرحد است (برای آگاهی از شیوه زندگی نیمه‌یکجانشینی در بین مردمان مهربان این منطقه، ر. ک. به: Azadi, 2010).
۵. برای نمونه ر. ک. به: گاو، ۱۳۵۹؛ حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷؛ Stein, 1940.

کتابنامه

- آزادی، احمد، ۱۳۸۶، «بررسی باستان‌شناختی منطقه لیگک به‌همئی، کُهِگیلویه»، نامه پژوهشگاه، شماره ۲۰ و ۲۱، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی، صص: ۱۲۰-۱۰۵.
- آزادی، احمد، ۱۳۸۷، گزارش بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه کُهِگیلویه، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی، (منتشر نشده).
- آزادی، احمد، ۱۳۸۸، گزارش فصل دوم بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه کُهِگیلویه (آبان و آذر ۱۳۸۷)، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی، (منتشر نشده).
- آزادی، احمد، ۱۳۸۹، گزارش فصل سوم بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه کُهِگیلویه (آبان و آذر ۱۳۸۸)، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی، (منتشر نشده).
- آزادی، احمد، ۱۳۹۲، «تپه بی‌بی‌زلیخایی؛ محوطه‌ای نو یافته از دوره نوسنگی بی‌سفال در منطقه کُهِگیلویه، زاگرس جنوبی»، باستان‌شناسی ایران، شماره ۳: صص ۳۱-۱۹.
- آزادی، احمد، ۱۳۹۳، «فصل چهارم بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه کُهِگیلویه»، مقاله‌های کوتاه دوازدهمین گردهم‌آیی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران، صص: ۳۱-۲۹.
- آزادی، احمد، ۱۳۹۴، «گزارش مقدماتی بررسی‌های باستان‌شناختی خط لوله انتقال آب سد کوثر، کُهِگیلویه»، گزارش‌های چهاردهمین گردهم‌آیی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران، صص: ۳۵-۳۲.
- آزادی، احمد و قزلباش، ابراهیم، ۱۳۹۰ «معرفی مکان‌های نو یافته دوره نوسنگی در منطقه کُهِگیلویه»، باستان‌شناسی و تاریخ، شماره ۴۸، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، صص: ۳-۱۶.
- ترومپلمن، لئو، ۱۳۷۲، «قبور و آئین تدفین در دوری ساسانی»، ترجمه مولود شادکام، باستان‌شناسی و تاریخ، شماره ۱۵: ۳۷-۲۹.
- حسینی‌فسایی، حاج میرزا حسن؛ ۱۳۷۶، فارسنامه ناصری، تهران، امیرکبیر.
- حسینی‌منشی، محمد میرک بن مسعود؛ ۱۳۸۵، ریاض الفردوس خانی، به کوشش ایرج افشار و فرشته صرافان، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار.
- دوبُند، باژن؛ ۱۳۷۱، سفرنامه لرستان و خوزستان، ترجمه محمد حسین آریا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- رضوانی، حسن، روستایی، کوروش، آزادی، احمد و قزلباش، ابراهیم؛ ۱۳۸۶، گزارش نهایی کاوش‌های باستان‌شناختی گورستان لما، یاسوج، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- سیدین بروجنی، سید رسول، ۱۳۹۱، « بردگوری دیناش ۳»، اثر، شماره ۵۸، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی، صص: ۸۰-۹۱.
- صفی نژاد، جواد؛ ۱۳۶۸، عشایر مرکزی ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- طاهری، عطا؛ ۱۳۸۸، کوچ؛ تجربه نیم قرن زندگی ایلی در کُهگیلویه و بویراحمد، تهران، انتشارات سخن.
- قزلباش، ابراهیم و آزادی، احمد، ۱۳۸۹، «پژوهشی در هویت‌شناختی بنای امامزاده یحیی (ع) کُهگیلویه، روستای شیخ هابیل الهاشمی»، اثر، شماره ۵۰، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی، صص: ۵۶-۶۸.
- کریمی، بهمن؛ ۱۳۲۹، راه‌های باستانی پایتخت‌های قدیمی غرب ایران. تهران، انجمن آثار و مفاخر ملی.
- گاوبه، هاینس؛ ۱۳۵۹، ارجان و کُهگیلویه: از فتح اعراب تا پایان دوره صفوی. ترجمه سعید فرهودی، تحشیه، تصحیح و تنظیم فهارس: احمد اقتداری، تهران، انجمن آثار ملی.
- مجیدی، نورمحمد؛ ۱۳۷۱، تاریخ و جغرافیای کُهگیلویه و بویراحمد، تهران، انتشارات علمی.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد ابن احمد؛ ۱۳۶۱، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه دکتر علینقی منزوی، تهران، شرکت مولفان و مترجمان ایران.
- یغمایی، احسان، ۱۳۸۳، «سه گنبدان- سه آتشکده که برای همیشه به زیر آب رفت»، نامه پژوهشگاه میراث فرهنگی، شماره ۷، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی، صص: ۵۳-۶۶.

- Azadi, A., 2010, "Ethnoarchaeological Observation at Ahmad Abad in the South Centra Zagros Mountains", The 2003 Excavations at Tol-e Bashi, Iran: Social Life in a Neolithic Village, (Pollack, S and others) eds. Mainz, Pp. 269-274.

- Harrison, J.V. 1936. "Kuhgalu: South- West Iran", the Geographical Jurnal, Vol. 88, No. 1" PP. 20-36.

- Stein, S. A., 1940, Old Routes of Western Iran, London, MacMillan.